



چشم شیر با سرمه خون

عکس‌های کامران شیردل از روزهای انقلاب اسلامی، پس از ۴۰ سال به نمایش درآمده است



«رویای سهراب» به صداگذاری رسید

کلنجر با صدای سهراب سپهری



حرف‌های تازه در ۴۰ سالگی (سوپرمن)

پرواز ابرقهرمانانه کلی در آسمان هالیوود

۱۲

فرهنگ

چهارشنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۷۷



گزارش کپسولی

مثل يك ستاره*

برنامه صبح بخیر ایران، جوانی با لباس یکدست سفید با صدایی پر حجم روی یک قایق ماهیگیری در جنوب ایران می‌خواند. این آغاز کار خواننده‌ای است که حتی پس از گذشت یک دهه از مرگش هنوز هم یک اتفاق در موسیقی پاپ بعد از انقلاب ایران است. حالا ده سال از مرگ ناصر عبداللهی، خواننده جنوبی ایران می‌گذرد؛ خواننده‌ای که درست در اوج شهرت و فعالیت موسیقی‌اش به شکلی غم‌انگیز درگذشت. البته که پیش از او هم بودند خواننده‌های جنوبی که توانایی و دانش‌شان از موسیقی بومی خارج از آن بوم هم مورد استقبال قرار گرفته بود. اما ناصر عبداللهی، هم در شیوه خواندن و هم تنظیم و موسیقی آرایش به نوعی پیشرو بود و توانست دل بسیاری از مخاطبان موسیقی را در ایران به دست بیاورد. خود ناصر عبداللهی هم شیفته موسیقی ابراهیم منصفی (رامی) بود. خواننده و آهنگساز مولفی که با وجود تاثیرگذاری شگفتش روی موسیقی ایران به‌ویژه اهالی جنوب در گمنامی و تنگدستی درگذشت. اتفاقاً ناصر عبداللهی هم فعالیتش را با بازخوانی ترانه‌های ابراهیم منصفی آغاز کرد.

پیش از رونمایی از صدا و چهره او در برنامه صبح بخیر ایران، ناصر عبداللهی چند آلبوم غیررسمی منتشر کرده بود که اغلب آهنگ‌های آن به گویش بندرعباسی بود، اما پس از معرفی ضمنی‌اش در تلویزیون، او درصدد انتشار آلبوم رسمی برآمد. در میانه دهه ۲۰ از بندر به تهران آمد و محمدعلی بهمنی او را به انتشارات دارینوش معرفی کرد. دو آلبوم موفق او یعنی «عشق است» و «دوستت دارم» توسط همین انتشارات ضبط و منتشر شد؛ تصاویری از یکپاره بازار موسیقی ایران را فرابگیرد.

آن هم در روزهایی که موسیقی پاپ تا حدودی از محاق درآمده بود و دیگر این گونه موسیقی در انحصار خواننده‌هایی همچون عباس بهادری نبود.

همان آلبوم دوستت دارم کافی بود تا ناصر عبداللهی، ستاره موسیقی پاپ ایران شود. قطعه «ناصریا» هنوز هم که هنوز است با گذشت حدود ۱۸ سال از انتشارش همچنان جزو قطعه‌های محبوب موسیقی پاپ ایران است.

قطعه‌ای که همان زمان انتشارش هم با حاشیه‌هایی همراه بود و موفقیتش چندان به مذاق اهالی موسیقی خوش نمی‌آمد. بسیاری این قطعه را کاور از موسیقی گروه اسپانیایی جیپسی کینگ می‌دانستند، در حالی که خود ناصر عبداللهی بارها گفته بود این قطعه را اوام گرفته از موسیقی عربی ساخته است. اما فارغ از همه این حاشیه‌ها ناصریا توانست او را به تمام دوستداران موسیقی ایران معرفی کند.

هر چند هنوز هم ناصر عبداللهی را به نام همین قطعه می‌شناسند، اما آثار دیگری هم از او در موسیقی ایران به یادگار مانده که همچنان کسی نتوانسته است به محبوبیت آنها برسد. بوی شرجی، هوای هوا و یادگار از جمله این آثار است. *

تلخ و شیرین يك خاطره

رضا صادقی، خواننده موسیقی پاپ و همشهری ناصر عبداللهی است. البته هر سال روی صفحه اینستاگرام خود یاد زنده‌یاد عبداللهی را گرمی می‌دارد و چند بار هم نوشته: خوش به حال آن‌هایی که می‌توانند صدایت را بشنوند. او می‌گوید: ناصر عبداللهی را از سال‌های دور می‌شناختم و دوستش داشتم و دارم. همشهری‌ام که صدای زیبا و خلق و خوی زیبایی هم داشت و آن زمان‌ها الگو و بزرگ‌تر ما محسوب می‌شد. یک خاطره دارم که هنوز هم دوستش ندارم.

صادقی ادامه می‌دهد: راستش ناصر قرار بود اجرایی داشته باشد و مسؤول کارهای صدا هم من بودم. رفت روی صحنه و می‌خواست بخواند که دید صدا قطع است. ناصر تا مدتی از من ناراحت بود و فکر می‌کرد به عمد صدا را قطع کرده‌ام. تا این‌که بالاخره او را دیدم و برایش توضیح دادم من مقصر نبودم و از دلش درآوردم. اما همین که برایش چنین تصویری را ایجاد کرده بودند، خیلی ناراحت‌کننده بود و هنوز هم از یادم نمی‌رود.

او در پایان می‌افزاید: هر چند در برابر دیگر چیزهایی که یاد ناصر عبداللهی را برای ما زنده نگه می‌دارد، این خاطره چندان جایی ندارد. او با مهربانی‌ها، مردانگی و صدای گرم و خویش همیشه میان ما خواهد بود و فراموشش نمی‌کنیم.



۱۲ سال از درگذشت صدای (دوستت دارم) نسل ما گذشت؛ یعنی پیش از یک دهه است که دیگر ناصر عبداللهی نداشتیم

به دریا زد و رفت

ماجرای شعری که بی‌اجازه خواند

محمدعلی بهمنی شاعر و ترانه‌سراست. او با زنده‌یاد عبداللهی کارهای مشترکی داشته، از جمله غزل «دریا شده است خواهر و من هم برادرش» که بهمنی بارها خاطراتش درباره سرایش آن را گفته است و کم و بیش همه می‌دانیم این دو هنرمند کنار یک‌دیگر قدم می‌زده‌اند. ناصر عبداللهی می‌گوید دریا خواهر است و بهمنی هم این شعر را می‌سراید. بهمنی اما خاطره دیگری هم دارد. او می‌گوید: «دل من به روز به دریا زد و رفت» او خیلی‌ها با صدای ناصر شنیده‌اند. این شعر من را پیشتر عماد رام خوانده بود و آهنگسازی‌اش را هم محمد سریر انجام داده بود. راستش دوست نداشتم کس دیگری آن را بخواند. ناصر هم وقتی گفت دلش می‌خواهد این کار را بخواند، گفتم نه. دور این یک شعر را خط بکش. او ادامه می‌دهد: ناصر هم دور این شعر را خط نکشید و بدون اجازه من بخواند. خیلی ناراحت شدم و ناراحتی‌ام را هم با او می‌میزانم. گفتم اگر می‌پرسیدم که اجازه نمی‌دادی، من هم خواندمش. آنقدر ناراحت بودم که گفتم من هرگز این کار را گوش نمی‌دهم. اگر هم جایی تصادفاً آن را بشنوم، گوش‌هایم را می‌گیرم. بهمنی اما حالا هر از گاهی این کار را گوش می‌دهد. او در این باره می‌گوید: مدت کوتاهی بعد از انتشار این آهنگ بود که ناصر برای همیشه رفت، انگار که خودش هم دل به دریا زد و رفت. اصلاً خواندن شعر با رفتنش نسبتی داشت‌انگار... حالا خودم هم هر از گاهی این قطعه را گوش می‌دهم و به ناصر فکر می‌کنم. همین است که آدمیزاد نباید در برخی تصمیم‌هایش زیاد قطعیت نشان دهد و گاهی باید تسلیم شود....



حکایت مرد و دریا

سید عباس سجادی مجری، ترانه‌سرا و مدیرعامل بنیاد آفرینش‌های هنری نیاوران است. او هم به‌واسطه سال‌ها فعالیت در عرصه موسیقی آشنایی نزدیکی با اغلب هنرمندان دارد. ناصر عبداللهی برای او یادآور عنوان «پیرمرد دریا» است، عنوانی که ما را یاد اثر جاودانه آنست همی‌نگوی می‌اندازد. او به دوستی و نزدیکی بهمنی و عبداللهی اشاره می‌کند و می‌گوید: یک بار عبداللهی را دیدیم. آمد و گفت به پیرمرد سلام برسان. به او گفتم پیرمرد کیست؟ گفت: مگر پیرمرد و دریا را نخوانده‌ای؟ خلاصه فهمیدم منظورش استاد بهمنی است. گفت من و بهمنی زیاد با هم کنار یک‌دیگر زنده و شعر خوانده‌ایم. بهمنی برای ما همان پیرمرد داستان است. ما جنوبی‌ها او دریا را با هم می‌شناسیم.



همین نشان می‌دهد ما در نسل خوانندگان چند دهه قبلیمان با کسانی روبه‌رو بودیم که حرمت شعر و شاعر را می‌دانستند و رعایت می‌کردند. مهربانی، شوخ‌طبعی و گرمی و قدرشناسی اخلاق‌های خوب ناصر بود که هرگز از یادمان نمی‌رود. حالا هم که خودش نیست و خرسندیم که استاد بهمنی، پیرمرد دریا را هنوز داریم. اما یادمان نمی‌رود که جای عبداللهی مرد، دریاها خالی است و او خیلی زود ما را ترک کرده است.

برای ناصر عبداللهی که بعد از خاموشی هم درس مهربانی داد

سه‌میه آدم‌های خاص



علی جوادی دبیر گروه ورزش و اردوستان زنده‌یاد ناصر عبداللهی

رفقای ناصر می‌دانستند چند صدلی از همه کنسرت‌های ناصر برای اوست. سه‌میه آدم‌های خاصی است که خدا می‌داند، ناصر و دوستان نزدیکش. این راز تا زمانی که ناصر برای همیشه چشمانش را بست، سر به مهر ماند؛ اما حالا بعد از ۱۲ سال از آسمانی شدن ناصر، گفتنش چه ایرادی دارد؟

سال ۸۱ بود و رضا کریمی (مدیر برنامه‌های ناصر) به دلیل مشکلاتی که برخی از حاضران در کنسرت «بوی شرجی» ایجاد کرده بودند باید به چند سوال پاسخ می‌داد. ناصر برای آن‌که رضا تنها نباشد با او رفت. در مسیر برگشت، ناصر به دلیل خستگی خوابش برده بود. شب قبل اجرا داشت و آن شب هم باید روی استیج می‌رفت. سر یک چهارراه، پسری با چند دسته گل سراغ آنها آمد. مثل خیلی از کودکان کار که تانیه‌های چراغ قرمز تنها بخت زندگی‌شان برای کسب روزی است. رضا یکی از آلبوم‌های ناصر را گذاشته بود و پسرک قبل از هر حرفی گفت: «!... این که صدای ناصر عبداللهی است.» رضا

آگهی مناقصه عمومی
واحد تهران غرب
دستگاه مناقصه‌گزار: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب
موضوع مناقصه: واگذاری امور مربوط به خدمات، نظافت
مهلت مراجعه جهت دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۷/۰۹/۲۸ لغایت ۹۷/۱۰/۱۱ هر مدت ۱۰ روز کاری
محل فروش اسناد مناقصه: تهران، خیابان شریعتی، دو راهی قلیک، خیابان شهید پارچا، بلوار اینه، کوچه گل بیخ غربی، پلاک ۱۶، طبقه همکف، دبیرخانه واحد در دست داشتن معرفی‌نامه و اصل فیش واریزی خرید اسناد مناقصه به مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به حساب ۱۱۰۶۲۲۹۸۲۰۸ بانک ملی شعبه بخیال با شناسه واریز ۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴۴
مهلت ارائه پاکت: تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۷/۱۰/۱۱
محل تحویل پاکت مناقصه: تهران، خیابان شریعتی، دو راهی قلیک، خیابان شهید پارچا، بلوار اینه، کوچه گل بیخ غربی، پلاک ۱۶، طبقه چهارم، اداره کل حراست، دبیرخانه محرمانه حراست
تضمین شرکت در مناقصه: ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز نقدی به شماره حساب ۰۱۱۰۶۲۲۹۸۲۰۸ بانک ملی شعبه بخیال خواهد بود.
دانشگاه در رد یا قبول یک یا همه پیشنهادات اختیار کامل دارد.
به پیشنهادهای منسوخ، مبهم و فاقد تضمین ترتیب اثر داده نخواهد شد.
پرداخت هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
شرکت در مناقصه به منزله پذیرفتن اختیارات و تکالیف دستگاه مناقصه‌گزار و کلیه شرایط این‌نامه معاملات دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد.
شرکت‌کنندگان می‌بایست دارای رزومه کاری مرتبط با انجام پروژه و مورد تایید کارفرما باشند.
پاکت‌های خارج از موعد مقرر به هیچ عنوان تحویل گرفته نخواهد شد.

خیلی خوب بود. بعد از آن، ناصر چند بار گفت آن شب بهترین اجرای عمرم بود...
بعد از آن ماجرا، او مجموعه‌ای را در همان حوالی پیدا کرد که بچه‌های یتیم در آن درس می‌خواندند. این مدارس را دختر آیت... آغوری در شهری اداره می‌کرد. ناصر هفته‌ای یک بار گیتارش را برمی‌داشت و صبح به یکی از این مدارس سر می‌زد تا برای بچه‌های یتیم گیتار بزند و برایشان بخواند. بعد از آن، کنسرت‌های ناصر، مهمانان ویژه‌ای داشت. چند صدلی در بخش‌های مختلف سالن، متعلق به کسانی بود که ناشنخته، به سالن می‌آمدند تا خاطره‌انگیزترین شب عمرشان را رقم بزنند... و کسی نمی‌دانست که بغل دستی‌اش یکی از دانش‌آموزان همان مدارس است... ناصر به رضا گفته بود چه باشم و چه نباشم تو باید هوای این بچه‌ها را داشته باشی. شبی که همراه با رضا برای یادبود سومین سال خاموشی ناصر، مراسم بغض ترانه را به عنوان تنها یادبود ناصر گرفتیم، رضا ۵۰۰ بلیت پراکنده در تمام سالن برای آنها در نظر گرفت تا همان‌طور که ناصر می‌خواست در سالن باشند و البته ناشنخته، آنها در تمام زمان مراسم چه زمانی که رضا صدای ناصر خواند یا وقتی اعضای ارکستر ناصریا نواختند تا صدای ضبطی ناصر همراه با اجرای زنده بخش شود، مدام در حال اشک ریختن بودند. دخترانی که یکی از آنها، خواهر همان پسر گلغروش بود که حالا دیگر گلغروشی نمی‌کند. آن شب همه برای ناصر گریستند... روح مهربانش شد.